

تأثیر قدرت مدیر بر انتخاب حسابرس: رویکرد فرصت‌طلبانه به قدرت

علی رضا معطوفی^۱، علی اشرف احمدیان^۲

^۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرجان، ایران*

^۲. دکترای مدیریت بازرگانی، مدرس دانشگاه

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثر قدرت مدیریت بر انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش از قدرت مدیریت به عنوان متغیر مستقل و از انتخاب حسابرس به عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. پژوهش حاضر در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۲ بر روی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. همچنین از مدل رگرسیون لجستیک و تحلیل رگرسیونی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، رابطه منفی و معنادار بین قدرت مدیریت و انتخاب حسابرس وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: قدرت مدیر، انتخاب حسابرس، بورس اوراق بهادار تهران.

طبقه‌بندی موضوعی: G33, G01

مقدمه

مطالعات در رابطه با قدرت مدیر نشان می‌دهند، قدرت مدیر با توجه به سطح مدیر در سلسله‌مراتب سازمانی، می‌تواند بر تصمیمات بنگاه موثر باشد (لیو و همکاران^۱، ۲۰۱۵). المامون و همکاران^۲ (۲۰۱۷) معتقدند، قدرت مدیر اثر منفی بر سودآوری و ثروت سهامداران دارد. افزایش قدرت مدیران، اختیار کافی را برای آن‌ها جهت پیگیری منافع شان برخلاف هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران فراهم می‌آورد (دروج و همکاران^۳، ۲۰۱۶؛ دیلی و جانسون^۴، ۱۹۹۷). مدیران دارای قدرت تاثیرگذاری بر تصمیمات هیئت‌مدیره پاداش‌های بیشتری دریافت می‌کنند (اگروال^۵، ۲۰۰۸؛ گرینستین و هریبار^۶، ۲۰۰۴). مورس و همکاران^۷ (۲۰۱۱) دریافتند، مدیران قوی، هیئت‌مدیره را وادر می‌کنند تا به‌منظور دریافت پاداش‌های بیشتر، عملکرد بهتری را گزارش نمایند.

فریدمن^۸ (۲۰۱۴) بیان می‌کند، مدیریت‌سود در ازوا اتفاق نمی‌افتد. مدیران قدرتمند به‌طور بالقوه می‌توانند هیئت‌مدیره را مجبور به ارائه معیارهای عملکردی جانبدارانه به‌منظور دریافت مزايا و پاداش اضافه نمایند. مدیران ارشد قوی که مشوق‌هایی در قالب سهام دریافت می‌کنند، به‌طور معنادار بر مدیران مالی فشار وارد می‌آورند تا با دستکاری حساب‌ها، برای سهام بنگاه در بورس اوراق بهادار جذایت ایجاد نمایند (فنگ و همکاران^۹، ۲۰۱۱). مدیران قدرتمند احتمال تقلب را افزایش داده و امکان ردیابی آن را کاهش می‌دهند (خانا و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۵).

ادیبات پژوهش نشان می‌دهد، مدیران به‌طور متوسط در انتشار اخبار بد به سرمایه‌گذاران تاخیر دارند (باو و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۸؛ کاتاری و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۹). لذا قدرت بیشتر مدیر، امکان تاخیر در انتشار اخبار بد را افزایش می‌دهد. اگرچه امکان مخفی نمودن اخبار بد برای همیشه توسعه مدیران غیرممکن به‌نظر می‌رسد، لذا زمانی که مجبور به انتشار انبوی از اخبار بد می‌شوند، باعث کاهش معنادار قیمت سهام می‌شوند (هاتن و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۹؛ جین و میرز^{۱۴}، ۲۰۰۶).

قدرت زیاد مدیر ضمن افزایش مسئله نمایندگی، می‌تواند موجب بیش اعتمادی مدیریت و اتخاذ تصمیمات ریسکی شود (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). با توجه به موارد فوق می‌توان ادعا کرد، قدرت در دست مدیران به

- 1- Liu et al.
- 2- Al Mamun et al.
- 3- Derouiche et al.
- 4- Daily and Johnson
- 5- Aggarwal
- 6- Grinstein and Hribar
- 7- Morse et al.
- 8- Friedman
- 9- Feng et al.
- 10- Khanna et al.
- 11- Bao et al.
- 12- Kothari et al.
- 13- Hutton et al.
- 14- Jin and Myers

آن‌ها ابزار و توجیه لازم را جهت انحراف و هدایت منابع بنگاه به سمت منافع شخصی شان فراهم می‌آورد (المامون و همکاران، ۲۰۱۷). لذا بنگاه‌های با مدیران قادرمند به منظور تحریف اطلاعات حسابداری در رابطه با عملکرد ضعیف خود و اجتناب از ارائه صورت‌های مالی شفاف، ممکن است نسبت به استفاده از حسابرسان با کیفیت بی‌میل باشند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵).

علی‌رغم آن‌که پژوهش‌های متعددی در حوزه عوامل موثر بر تصمیمات بنگاه انجام شده‌است، ولی به‌نظر می‌رسد با فقدان مطالعات کاربردی درخصوص بررسی تاثیر قدرت مدیریت بر تصمیمات و رفتار بنگاه به طور عام و بررسی تاثیر قدرت مدیریت بر انتخاب حسابرس به‌طور خاص مواجه می‌باشیم. بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد به‌بررسی رابطه بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پردازد. یافته‌های پژوهش حاضر ضمن پر کردن شکاف موجود در ادبیات پژوهش کشور، ابزار مناسبی را در اختیار سایر پژوهشگران و تصمیم‌گیران بازار سرمایه قرار خواهد داد.

مبانی نظری پژوهش

قدرت، به عنوان یکی از ابزارهای اساسی و عملی هر سازمان، محور درک رفتار سازمانی و فردی می‌باشد. قدرت، توان بالقوه‌ای است که هر فرد دارا است تا به وسیله آن بر فرد یا افراد دیگر و همچنین توان تصمیم‌گیری آن‌ها اثراً گذار باشد، به گونه‌ای که افراد مجبور می‌شوند کاری را انجام دهند که صاحب قدرت می‌خواهد. قدرت مدیر، به عنوان توانایی یا توان بالقوه یک مدیر برای تغییر رفتار، تمایلات، نگرش‌ها، عقاید و عواطف یا ارزش‌های کارکنان تعریف می‌شود (المامون و همکاران، ۲۰۱۷) و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند، قدرت به عنوان توانایی فرد برای تحمیل خواسته‌هایش به دیگران می‌باشد.

مطابق با ادبیات پژوهش، قدرت در اختیار مدیران یکی از عواملی است که می‌تواند منجر به کاهش قیمت سهام (المامون و همکاران، ۲۰۱۷) و ارزش بنگاه (بیچاک و همکاران^۱، ۲۰۱۱) شود. مدیران تمایل زیادی به مخفی نگهداشت اخبار بد از سرمایه‌گذاران دارند (بال، ۲۰۰۹؛ گراهام و همکاران، ۲۰۰۵؛ کاتاری و همکاران، ۲۰۰۹). میزان اطلاعات منفی که مدیران می‌توانند انباشت و پنهان کنند، در شرکت‌های مختلف متفاوت است. علاوه بر این، توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران برای انباشت و افشاء نکردن اخبار منفی، به هزینه‌ها و منافع آن بستگی دارد (کاتاری و همکاران، ۲۰۰۹).

موفقیت مدیران در پنهان کردن اخبار بد منوط به قدرت آن‌ها در تاثیرگذاری بر تصمیمات می‌باشد. قدرت مدیران، موجب تحریک آن‌ها به استفاده از منابع بنگاه در راستای منافع شخصی شان شده و با درگیر کردن شرکت به دستکاری در حساب‌ها، موجب تاثیر منفی بر ارزش شرکت می‌شود (گرینستین و هریبار، ۲۰۰۴؛

1- Bebchuk et al.

2- Ball

3- Graham et al.

فنگ و همکاران، ۱۱؛ ۲۰۱۱؛ مورس و همکاران، ۱۱؛ ۲۰۱۴؛ فریدمن، ۱۱؛ کولز و همکاران، ۱۱؛ خانا و همکاران، ۱۵؛ المامون و همکاران، ۱۷).

زمانی که اخبار بد جمع شده، به مرحله غافلگیر کننده‌ای می‌رسند، مدیران تسلیم شده و به انتشار آن می‌پردازند و این منجر به کاهش قیمت سهام می‌شود (جین و میرز، ۲۰۰۶؛ هاتن و همکاران، ۲۰۰۹). به بیان دیگر، مدیران سعی می‌کنند تا تصویر مطلوبی از واحد تجاری ارائه نمایند و لذا تعامل دارند تا افشاءی اخبار بد را به تأخیر انداخته و این اطلاعات را در داخل شرکت ابیاشته کنند. در صورت نگهداری و عدم افشاءی اخبار بد برای یک مدت طولانی، بین ارزش ذاتی و ارزش بازار سهام، یک شکاف یا حباب قیمتی ایجاد می‌شود. هنگامی که توده اخبار منفی ابیاشت شده به نقطه اوج می‌رسد، به یکاره وارد بازار شده و به ترکیدن حباب قیمتی و سقوط قیمت سهام می‌انجامد (جین و میرز، ۲۰۰۶).

همچنین، هاتن و همکاران (۲۰۱۱) و کیم و همکاران (۲۰۱۱الف) معتقدند، مدیران با استفاده از مدیریت سود و اجتناب مالیاتی به ابیاشت اخبار بد مبادرت می‌نمایند، که به توبه خود منجر به کاهش قیمت سهام می‌شود. دچبو و همکاران^۳ (۲۰۱۳) بیان می‌کنند، مدیریت سود با هدف تاثیر بر قیمت سهام اتفاق می‌افتد. چرا که فشارهای داخلی و خارجی برای دستیابی به سود مورد نظر و اجتناب از جبران خسارت و آینده شغلی مدیران انجام می‌گیرد. گراهام و همکاران (۲۰۰۵) با بررسی مدیران ارشد بنگاه‌های آمریکایی نشان دادند، مدیران مایل به قربانی کردن ارزش اقتصادی به منظور مدیریت ادراک سرمایه‌گذاران از گزارشگری مالی می‌باشند.

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند، تاثیر اجتناب مالیاتی (کیم و همکاران، ۱۱الف)، انگیزه‌های مدیران ارشد مالی (کیم و همکاران، ۲۰۱۱ب)، پرداخت به مدیران ارشد و اعتماد بیش از اندازه آنها به خود (کیم و همکاران، ۲۰۱۶) بر ریسک آتی سقوط قیمت سهام در بنگاه‌های با مدیران ارشد قوی بیشتر از سایر بنگاه‌ها می‌باشد. مدیران ارشد قدرتمند پاداش‌های تشویقی را دستکاری کرده (مورس و همکاران، ۲۰۱۱) و قدرت آنها منجر به بیش اعتمادی در تصمیم‌گیری می‌شود (موریسون و همکاران، ۲۰۱۱؛ فست و همکاران، ۲۰۱۲). مدیران قدرتمند از طریق عقد قراردادهای صوری و تقلیلی (مورس و همکاران، ۲۰۱۱)، تبیغات زیاد در بازار جهت جلب توجه سرمایه‌گذاران (لی و همکاران، ۱۸؛ ۲۰۱۸) و احتمال انجام تقلب (خانا و همکاران، ۲۰۱۵) منجر به عملکرد منفی قیمت سهام می‌شوند. فراکاسی و تیت^۷ (۲۰۱۲) بیان می‌کنند، مدیران قوی، شدت و میزان نظارت داخلی را توسط هیئت مدیره و به وسیله انتصاب مدیرانی که با مدیران ارشد ارتباط نزدیکی دارند، کاهش می‌دهند. لذا زمانی که مدیران ارشد قدرت زیادی برای تاثیرگذاری بر

1- Coles et al.

2- Kim et al.

3- Dichev et al.

4- Morrison et al.

5- Fast et al.

6- Li et al.

7- Fracassi and Tate

فرایند تصمیم‌گیری دارند، نوسان زیادی در عملکرد بنگاه وجود خواهد داشت (گالما و همکاران^۲؛ آدامز و همکاران^۳؛ ۲۰۰۵). لذا ساز و کارهای نظارتی خارجی قوی، توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران جهت نگهداری و عدم افشاء اخبار منفی را محدود می‌کند (اندرو و همکاران^۴؛ ۲۰۱۷). لیو و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند، ذینفعان بنگاه (مثل طبلکاران) تلاش می‌کنند در عقد قراردادها قدرت مدیر را کاهش دهند. به طور ویژه، بانک‌ها از شرکت‌های دارای مدیران ارشد قدرتمند، هزینه بدھی بالاتری را طلب می‌کنند. بنگاه‌های با مدیران قدرتمند همچنین رتبه اعتباری کمتری را دریافت می‌کنند که این امر ناشی از برداشت ناخوشایند از قدرت مدیران آن‌هامی باشد.

آدامز و همکاران (۲۰۰۵) بیان می‌کنند، مدیران قدرتمند با احتمال کمتری قدرت خود را با سایر مدیران تقسیم می‌کنند. لذا وقوع اشتباه در تصمیم‌گیری آن‌ها متحمل می‌باشد. قدرت مدیر موجب ظهور مشکل نمایندگی شده و هزینه‌های اقتصادی بیشتری را بر بنگاه تحمل می‌کند. مدیران قدرتمند با تحریف اطلاعات حسابداری در رابطه با عملکرد ضعیف خود، مانع از ارائه صورت‌های مالی شفاف می‌شوند. لذا بنگاه‌های با مدیران قدرتمند ممکن است نسبت به استفاده از حسابرسان با کیفیت بی‌میل باشند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). در حالی که ذینفعان بنگاه می‌خواهند با استخدام حسابرسان با کیفیت به گزارشگری مالی با کیفیت دست پیدا کنند (فن و وانگ^۵؛ ۲۰۰۵). لذا استخدام حسابرسان با کیفیت ضمن کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های تامین‌مالی، سوءاستفاده مدیر از قدرت را در تصمیمات بنگاه محدود می‌کند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵).

پیشنهاد پژوهش

المامون و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان مدیران قدرتمند و ریسک سقوط قیمت سهام به این نتیجه رسیدند، در شرکت‌های با مدیران قدرتمند، احتمال ریسک سقوط قیمت سهام بیشتر می‌باشد. همچنین، نتایج پژوهش آن نشان داد، تأثیر مدیریت سود واقعی، اجتناب مالیاتی و بیش اعتمادی مدیر عامل می‌تواند باعث بر جسته‌تر شدن رابطه بین قدرت مدیر عامل و ریسک سقوط قیمت سهام شود.

کورنالیکا و همکاران^۶ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریت و رتبه اعتباری شرکت با بررسی اینکه چگونه تحلیلگران در تعیین رتبه اعتباری شرکت توانایی مدیریت را به عنوان یک عامل ریسک اعتباری در نظر می‌گیرند، نشان دادند، مدیران تواناتر رتبه اعتباری بالاتری برای شرکت ایجاد می‌کنند که نهایتاً منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود.

1- Galema et al.

2- Adams et al.

3- Andreou et al.

4- Fan and Wong

5- Cornaggia et al.

حیب و حسن^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با بررسی تاثیر توانایی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری‌ها و ریسک سقوط قیمت سهام نشان دادند، توانایی مدیر با کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها رابطه معناداری دارد. همچنین نتایج حاکی از وجود رابطه بین توانایی مدیران با ریسک سقوط قیمت سهام می‌باشد.

آلدرمن^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان آیا جنسیت حسابرس بر مسئولیت حسابرس تأثیرگذار است؟ به بررسی ریسک مسئولیت در رابطه با تضاد منافع شخصی و مالی حسابرسان و پتانسیل اختلاف در انجام مسئولیت بر اساس جنسیت حسابرس پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، حسابرسان زن در مواجه با تضاد منافع شخصی نسبت به حسابرسان مرد، از استقلال کمتر و سهل‌انگاری بیشتر برخوردار هستند. حسابرسان مرد در مواجه با تضاد منافع مالی نسبت به حسابرسان زن، از استقلال کمتر و سهل‌انگاری بیشتر برخوردار هستند. حسابرسان صرف نظر از جنسیت، در مواجه با تضاد منافع شخصی نسبت به تضاد منافع مالی، از استقلال کمتر و سهل‌انگاری بیشتر برخوردار هستند.

القول و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان انتخاب حسابرس و سرسید بدھی شرکت نشان دادند، با حضور مؤسسات حسابرسی بزرگ، بدھی‌های بلندمدت در ساختار سرمایه شرکت‌ها افزایش می‌یابد. آن‌ها نتیجه گرفتند، مؤسسات حسابرسی با کیفیت بالاتر جایگزینی برای بدھی کوتاه‌مدت جهت اهداف نظارتی می‌باشند.

لیو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان قدرت مدیرعامل و انتخاب حسابرس نشان دادند، مدیران قادر تمند به احتمال زیاد حسابرسان با کیفیت بالا را جهت نشان دادن کیفیت بالای گزارشگری مالی به کار می‌گیرند.

آلدو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و عملکرد شرکت در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ نشان دادند، توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مستقیم دارد. بادآورنهندی و حشمت (۱۳۹۷) در پژوهش با عنوان اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهامداران نشان دادند، توانایی مدیریتی با ارزش ایجاد شده سهامداران ارتباط مثبت دارد و سازوکارهای حاکمیت شرکتی نیز این ارتباط مثبت را تشید می‌کنند. به عبارت دیگر در شرکت‌های با رتبه حاکمیت شرکتی بالاتر، توانایی مدیریتی بیشتر در جهت افزایش ارزش سهامداران متوجه می‌شود.

یاری و فتحی‌ارطه (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تأثیر قدرت تصمیم‌گیری مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند، بین درصد تملک سهام مدیرعامل، تنها عضو موظف بودن مدیرعامل و دوگانگی وظیفه مدیرعامل با عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

1- Habib and Hasan

2- Alderman

3- El Ghoul et al.

صالحی و همکاران (۱۳۹۵ الف) در پژوهشی با عنوان تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی به بررسی ۵۴ شرکت در بازه زمانی قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی، طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ پرداختند. نتایج پژوهش این نشان داد، رابطه معنادار بین وجود کمیته حسابرسی و تأخیر گزارش حسابرسی وجود ندارد.

صالحی و همکاران (۱۳۹۵ ب) در پژوهشی با بررسی رابطه بین توانایی مدیران و پاداش نشان دادند، بین پاداش و توانایی مدیریت به دلیل ناکارا بودن بازار بورس در ایران رابطه‌ای وجود ندارد و به جای این که پاداش عوامل بنیادی داشته باشد بیشتر تحت تأثیر عوامل سیاسی و روانی است.

بزرگ‌اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود (به تفکیک اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی) نشان دادند، بین توانایی مدیریت با پایداری سود و توانایی مدیریت با پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود رابطه مثبت وجود دارد. ولی رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بعخش تعهدی نسبت به بعضی نقلی قوی تر است.

و کیلی‌فرد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش به بررسی رابطه کیفیت سود و انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد، کوچکی و بزرگی موسسه‌های حسابرسی می‌تواند بر میزان کیفیت سود شرکت‌ها تأثیرگذار باشد.

بنی‌مهد (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان کیفیت اعلام تعهدی و انتخاب حسابرس نشان دادند، اندازه صاحبکار، تغییر مدیریت و کیفیت اعلام تعهدی بر انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس تأثیرگذار است. اما رابطه معنادار بین نسبت اهرمی، سودآوری و گزارش زیان توسط شرکت مورد رسیدگی با انتخاب موسسه بزرگ حسابرسی وجود ندارد.

روش‌شناسی و متغیرهای پژوهش

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر توجه به زمان گذشتمنگر، از لحاظ هدف کاربردی و با توجه به نوع، پس رویدادی می‌باشد. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است و برای بررسی رابطه میان متغیر مستقل و وابسته از روش آماری رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس روش مطالعه داده‌های ترکیبی می‌باشد.

جامعه‌آماری و روش نمونه‌گیری

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جامعه‌آماری تحقیق را تشکیل خواهند داد. لذا بنگاه به عنوان سطح تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر می‌باشد. روش نمونه‌گیری، روش حذفی بوده است، بدین ترتیب که کلیه شرکت‌های عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ

شده و آن دسته از شرکت‌هایی که این شرایط را نداشته‌اند از نمونه آماری، حذف گردیده‌اند. دوره مورد مطالعه در این تحقیق از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۲ به مدت ۵ سال می‌باشد. شرایط برای انتخاب نمونه به شرح زیر می‌باشند:

۱. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در بورس حضور داشته باشند؛
 ۲. اطلاعات مورد نیاز شرکت، در دسترس باشد؛
 ۳. شرکت در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی را تجربه نکرده باشد؛
 ۴. شرکت‌های مورد نظر جزو بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ نباشند؛
 ۵. شرکت‌ها نباید در طی دوره تحقیق وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه داشته باشند؛
 ۶. سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد. با اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه‌ای شامل ۶۳۰ شرکت-سال مربوط به ۱۲۶ شرکت انتخاب گردیده است.
- جهت محاسبه متغیرهای پژوهش داده‌های مورد نیاز از بانک‌های اطلاعاتی رهآورد نوین و تدبیرپرداز استخراج شده‌است. در صورت ناقص بودن داده‌های موجود در این بانک‌های اطلاعاتی، به سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار مراجعه گردید. همچنین به منظور انجام محاسبات و آماده نمودن داده‌ها و همچنین تجزیه و تحلیل آن‌ها، از نرم‌افزارهای Eviews و Excel استفاده شده است.

مدل‌ها و متغیرهای مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل زیر استفاده خواهد شد (هو و کانگ، ۲۰۱۳):

مدل ۱

$$\text{AUD}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{POWER}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_4 \text{BM}_{it} + \beta_5 \text{ROE}_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر مستقل

در این پژوهش برای محاسبه قدرت مدیر (Power) به تبعیت از پژوهش والنتی و همکاران^(۱) از دوره تصدی مدیر عامل استفاده می‌شود. هرچه مدیر عامل تعداد سال‌های بیشتری در سمت مدیریت باشد، تأثیرگذاری او بر عملیات شرکت بیشتر بوده و با توجه به موقعیت راهبردی خود کنترل بیشتری بر تصمیمات حاکمیتی شرکت دارد. بنابراین، شاخصه قدرت مدیر عامل با اندازه‌گیری تعداد سال‌هایی که وی تصدی این سمت را به عهده دارد، بدست می‌آید.

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش حاضر، انتخاب حسابرس (Auditor) است. این متغیر مجازی است که با مقدار صفر و یک نشان داده می‌شود. مقدار یک برای شرکت‌هایی که سازمان حسابرسی (بزرگترین مؤسسه حسابرسی در ایران) را به عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب کرده‌اند و مقدار صفر برای شرکت‌هایی که سایر مؤسسات حسابرسی را به عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب نموده‌اند (نیکومرام و احمدزاده، ۱۳۹۲).

متغیر کنترلی

متغیرهای کنترل پژوهش حاضر عبارتند از (لیو و همکاران، ۲۰۱۵؛^۱ هو و کانگ، ۲۰۱۳؛^۲ گودفری و همیلتون، ۲۰۰۵؛^۳ چانی و همکاران، ۲۰۰۴):^۴

اندازه شرکت (Size_{i,t}): اندازه شرکت برابر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t می‌باشد.

اهمیت مالی (LEV_{i,t}): اهرم مالی برابر است با نسبت بدھی به دارایی‌های شرکت i در سال t .
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام (BM_{i,t}): عبارت است از نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t .
بازده حقوق صاحبان سهام (ROE_{i,t}): بازده حقوق صاحبان سهام برابر است با نسبت سود خالص به مجموع حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t .

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۱، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد.

1- Ho and Kang
2- Godfrey and Hamilton
3- Chaney et al.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	حداکثر	انحراف معیار
Auditor _{i,t}	۰/۲۲۲	۰	۱	۰/۴۱۶
Power _{i,t}	۲/۰۳۸	۲	۵	۱/۲۱۲
SIZE _{i,t}	۸/۹۷۴	۸/۹۱۰	۱۱/۱۹	۰/۶۸۲
LEV _{i,t}	۰/۶۱۷	۰/۶۰۷	۰/۱۱۰	۰/۲۲۷
BM _{i,t}	۰/۴۷۱	۰/۴۲۰	-۴/۶۳۰	۰/۴۷۳
ROE _{i,t}	۰/۲۱۸	۰/۲۴۷	-۳/۸۲۱	۰/۴۴۷

*: انتخاب حسابرس شرکت در سال t؛ قدرت مدیر عامل Auditor_{i,t}؛ شرکت در سال t؛ اندازه شرکت شرکت در سال t؛ اهرم مالی SIZE_{i,t}؛ شرکت در سال t؛ BM_{i,t}؛ نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام شرکت در سال t؛ بازده حقوق صاحبان سهام شرکت در سال t؛ ROE_{i,t}.

مطابق با جدول ۱ میانگین متغیر انتخاب حسابرس برای شرکت‌های نمونه حدود ۰/۲۲ می‌باشد که نشان می‌دهد، ۲۲ درصد مشاهدات مورد بررسی، سازمان حسابرسی را به عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب کرده‌اند. میانگین ۲/۰۳۸ برای متغیر قدرت مدیر نشان می‌دهد، به طور متوسط تعداد سال‌های حضور مدیر عامل در سمت مدیریت در مشاهدات مورد بررسی، حدود ۲ سال می‌باشد. همچنین میانگین متغیر بازده حقوق صاحبان سهام مشاهدات مورد بررسی ۰/۲۱۸ می‌باشد. انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای پراکندگی مشاهدات از میانگین است. مقدار این پارامتر برای متغیرهای انتخاب حسابرس و قدرت مدیر به ترتیب ۰/۴۱۶ و ۱/۲۱۲ است.

در این مرحله نیکویی برازش مدل را با استفاده از آزمون هاسمر و لمشو با توجه به جدول ۲ بررسی می‌شود.

جدول ۲. نیکویی برازش مدل با آزمون هاسمر و لمشو

آماره هاسمر و لمشو	P-value	نتیجه آزمون
۸/۵۷۳۹	۰/۴۹۶۲	مدل رگرسیون لجستیک برای داده‌ها مناسب می‌باشد.

با توجه به جدول ۲ مقدار سطح معناداری برابر ۰/۴ می‌باشد و چون این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا فرض H₀ تأیید و فرض H₁ رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون لجستیک برای داده‌ها مناسب می‌باشد.

آزمون فرضیه اول

فرضیه پژوهش بیان می‌کند، بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرس رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به نگاره ۳ (آماره R^2 مک‌فادن) می‌توان ادعا کرد، حدود ۲۶ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود.

جدول ۳. نتایج آماری آزمون مدل پژوهش

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	t آماره	سطح معناداری (sig)
عرض از مبدأ (a)	-۰/۵۲۴	۰/۸۹۶	-۸/۳۹۵	۰/۰۰۰
Power _{i,t}	-۰/۴۲۶	۰/۰۹۳	-۴/۵۵۵	۰/۰۰۰
SIZE _{i,t}	۰/۵۰۴	۰/۰۶۰	۸/۳۲۰	۰/۰۰۰
LEV _{i,t}	-۰/۰۵۱۶	۰/۹۴۷	-۰/۰۵۴۴	۰/۵۸۵
BM _{i,t}	-۰/۰۴۵۵	۰/۲۱۵	-۲/۱۱۳	۰/۰۳۴
ROE _{i,t}	-۰/۰۰۵۳	۰/۶۹۲	-۰/۰۰۷۷	۰/۹۳۸
ضریب تعیین مک‌فادن	۰/۲۵۸			
LR		مقدار احتمال	مقدار آماره	آماره نسبت درست‌نمایی
۱۰۰/۴۹۸		۰/۰۰۰		

آماره LR شیوه آماره F در مدل رگرسیون خطی است. طبق نگاره فوق مقدار این آماره به میزان ۱۰۰/۴۹۸ و مقدار احتمال آن ۰/۰۰۰ می‌باشد، بنابراین چون میزان احتمال آماره LR از ۰/۰۵ کمتر است، لذا می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۵٪ مدل رگرسیونی برآش شده معنادار است.

همچنین ضریب برآورده متغیر مستقل Power در نگاره ۳ نشان‌دهنده وجود رابطه منفی و معنادار بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرس در سطح خطا ۰/۰۵ است. زیرا میزان P-value برای ضریب متغیر مستقل، کمتر از ۰/۰۵ بودست آمده است. بنابراین می‌توان گفت، قدرت مدیر بر انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر منفی و معنادار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت موضوع در پژوهش حاضر به بررسی تاثیر قدرت مدیر بر انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. برای این منظور بر مبنای ادبیات پژوهش یک فرضیه مطرح گردید.

در فرضیه پژوهش به بررسی وجود رابطه معنادار بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرس باکیفیت (بزرگ) پرداخته شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، رابطه منفی معنادار بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرس

با کیفیت (بزرگ) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. یعنی با افزایش (کاهش) قدرت مدیر، انتخاب حسابرس باکیفیت (بزرگ) کاهش (افزایش) پیدا می‌کند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش لیو و همکاران (۲۰۱۵) سازگار می‌باشد.

قرارت، به عنوان توانایی یا توان بالقوه یک مدیر (المامون و همکاران، ۲۰۱۷)، امکان تحمیل خواسته‌هایش به دیگران را فراهم می‌آورد (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). مطابق با ادبیات پژوهش، قدرت مدیران برای آن‌ها امکان پنهان کردن اخبار بد را فراهم آورده و موجب تحریک آن‌ها به استفاده از منابع بنگاه در راستای منافع شخصی‌شان می‌شود (المامون و همکاران، ۲۰۱۷). به علاوه از آنجایی که مدیران سعی می‌کنند تا تصویر مطلوبی از واحد تجاری ارائه نمایند، تمایل دارند تا افشاگری اخبار بد را به تأخیر انداخته و این اطلاعات را در داخل شرکت انباشته کنند. اما نگهداری و عدم افشاء اخبار بد برای یک مدت طولانی، بین ارزش ذاتی و ارزش بازار سهام، یک شکاف قیمتی ایجاد می‌کند. لذا هنگامی که توده اخبار منفی انباشت شده به نقطه اوج می‌رسد، به یکاره وارد بازار شده و به ترکیدن حباب قیمتی و سقوط قیمت سهام می‌انجامد (جین و مایرز، ۲۰۰۶).

مدیران ارشد قدرتمند برای دستیابی به سود مورد نظر و اجتناب از جبران خسارت و آینده شغلی خود (دچیو و همکاران، ۲۰۱۳) و مدیریت ادراک سرمایه‌گذاران از گزارشگری مالی، تلاش می‌کنند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین با اقداماتی از قبیل دستکاری پاداش‌های تشویقی (مورس و همکاران، ۲۰۱۱)، عقد قراردادهای صوری و تقلیبی (مورس و همکاران، ۲۰۱۱)، تبلیغات زیاد در بازار جهت جلب توجه سرمایه‌گذاران (لی و همکاران، ۲۰۱۸) و اقدام به تقلب (خانا و همکاران، ۲۰۱۵) منجر به عملکرد منفی قیمت سهام می‌شوند. حتی مدیران قوی تلاش می‌کنند، شدت و میزان نظارت داخلی هیئت‌مدیره را به وسیله انتصاب مدیرانی که با مدیران ارشد ارتباط نزدیکی دارند، کاهش دهند (فراکاسی و تیت، ۲۰۱۲).

با توجه به موارد فوق مدیران قدرتمند با تحریف اطلاعات حسابداری در رابطه با عملکرد ضعیف خود، مانع از ارائه صورت‌های مالی شفاف می‌شوند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). لذا ساز و کارهای نظارتی خارجی قوی که توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران جهت نگهداری و عدم افشاء اخبار منفی را محدود می‌کند (اندرو و همکاران، ۲۰۱۷) مطلوب مدیریت نخواهد بود. از این‌رو می‌توان انتظار داشت، بنگاه‌های با مدیران قدرتمند مایل به استفاده از حسابرسان با کیفیت نباشند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). در ادامه، با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادات ذیل مطرح می‌شوند:

الف. به سرمایه‌گذاران و سهامداران پیشنهاد می‌شود، با مفهوم قدرت مدیریت آشنا شده و در تصمیم‌گیری‌ها به آن توجه داشته باشند. چرا که افزایش قدرت مدیران، اختیار کافی را برای آن‌ها جهت پیگیری منافع‌شان برخلاف هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران فراهم می‌آورد.

ب. به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود، به منظور تبیین رفتار قیمت سهام شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، به ساختار نظام راهبری شرکت از قبیل دوره تصادی هیئت‌مدیره، یکسان‌بودن رئیس هیئت‌مدیره و مدیر عامل و حضور اعضای غیر موظف در ترکیب هیأت‌مدیره شرکت توجه داشته باشد.

با توجه به نتایج پژوهش و سوالاتی که طی انجام آن برای محققین مطرح شد، جهت تکمیل این پژوهش و انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این پژوهش پیشنهادهای ذیل ارایه می‌شود:

الف. در پژوهش حاضر به بررسی سهام موجود در بازار بدون توجه به صنعت آنها پرداخته شد، لذا به نظر می‌رسد بررسی موضوع بر اساس صنعت می‌تواند اطلاعات مفیدی در خصوص موضوع مورد بررسی فراهم آورد.

ب. در پژوهش حاضر متغیرهای پژوهش در یک بازه زمانی ۵ ساله و در یک نمونه ۱۲۶ شرکتی مورد بررسی قرار گرفتند. لذا بررسی موضوع در یک بازه زمانی طولانی‌تر و با نمونه بزرگ‌تر می‌تواند مفید باشد.

فهرست منابع و مأخذ

- بادآورنهندی، یونس و حشمت، نسا. (۱۳۹۷). "اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهامداران". حسابداری مدیریت، سال ۱۱، شماره ۳۸، صص ۹۳-۱۰۸.
- بزرگ اصل، موسی و صالحزاده، بیستون. (۱۳۹۴). "رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تأکید بر اجزای تعهدی و جریان‌های نقدي در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". دانش حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۱۳، صص ۴۱۸-۴۱۰.
- بنی‌مهد، بهمن. (۱۳۹۱). "کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس". فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۹۸-۸۱.
- صالحی، مهدی و اورادی، جواد و سالاری فورگ، زینب. (۱۳۹۵). "تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی". فصلنامه دانش حسابداری، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۵۹-۸۳.
- صالحی، مهدی و باقرپور ولاشانی، محمدعلی و خدابرست مشهدی، مهدی و اکبری، فرزانه. (۱۳۹۵). "بررسی تاثیر توانایی مدیران بر پاداش هیأت‌مدیره و ارزش شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". چهاردهمین همایش ملی حسابداری.
- نیکومرام، هاشم و احمدزاده، حمید. (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و انتخاب نوع حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت، سال ۴، شماره ۴، صص ۱۵۴-۱۳۵.
- وکیلی‌فرد، حمیدرضا و محمدی، سامان و کاظمی‌نوری، سپیده. (۱۳۹۳). "کیفیت سود و انتخاب حسابرس (مورد مطالعه: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)". فصلنامه حسابداری مالی، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۱۵۱-۱۶۸.
- یاری، فرانک و فتحی‌ارطه، کیوان. (۱۳۹۵). "تأثیر قدرت تصمیم‌گیری مدیر عامل بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، سال ۲، شماره ۳، صص ۳۰۰-۲۸۵.

— Adams, R. B. , Almeida, H. , and Ferreira, D. (2005). "Powerful CEOs and their impact on corporate performance". Review of Financial Studies, 18 (4), 1403-1432.

— Aggarwal, R. K. (2008). "Executive Compensation and Incentives". Handbook of Empirical Corporate Finance, 2, 497-538.

— Alderman, J. (2017). "Does auditor gender influence auditor liability? Exploring the impact of the crime congruency effect on jurors' perceptions of auditor negligence". Advances in Accounting, 38, 75-87.

— Al Mamun, M. D. , Balachandran, B. , and Duong, H. N. (2017). "Powerful CEOs and Stock Price Crash Risk". Available at <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2797107>.

- Andreou, P. C. , Louca, C. , Panayides, P. M. , and Petrou, A. P. (2017). "CEO age and stock price crash risk". *Review of Finance*, 21 (3), 1287–1325.
- _____. Andreou, P. C. , Ehrlich, D. and Louca, C. (2013). "Managerial ability and firm performance: Evidence from the global financial crisis". Cyprus University of Technology, Department of Commerce, Finance and Shipping, and Visiting Research Fellows at Durham Business School.
- Ball, R. (2009). "Market and Political/Regulatory Perspectives on the Recent Accounting Scandals". *Journal of Accounting Research*, 47, 277–323.
- _____. Bao, D. , Kim, Y. , Mian, G. M. , and Su, L. (2018). Do Managers Disclose or Withhold Bad News? Evidence from Short Interest. *The Accounting Review*, Available at [Journal of Financial Economics, 102 \(1\), 199-221.](https://poseidon01.ssrn.com/delivery.php?ID=927103126008003094102027123090093011118033030042010043122092066030065115094090115010026005017013006005055071126098120009097095055066031061002126123115122086082079042016010110002082106099019126065124068101121100084068071023007116086100124101069027022&EXT=pdf.</p><p>_____. Bebchuk, L. , Cremers, M. and Peyer, U. (2011).)
- _____. Chaney, P. K. , Jeter, D. C. and Shivakumar, L. (2004). "Self-Selection of Auditors and Audit Pricing in Private Firms". *The Accounting Review*, 79(1), 51-72.
- _____. Coles, J. L. , Daniel, N. D. , and Naveen, L. (2014). "Co-opted boards". *Review of Financial Studies*, 27 (6), 1751–1796.
- _____. Cornaggia, K. J. , Krishnan, G. V. , and Wang, C. H. (2017). "Managerial ability and credit rating". *Contemporary Accounting Research*, 34 (4), 2094-2122.
- _____. Daily, C. M. , and Johnson, J. L. (1997). "Sources of CEO power and firm financial performance: A longitudinal assessment". *Journal of Management*, 23, 97-117.
- _____. Dichev, I. D. , Graham, J. R. , Harvey, C. R. , and Rajgopal, S. (2013). "Earnings quality: Evidence from the field". *Journal of Accounting and Economics*, 56 (2-3), 1–33.
- _____. Derouiche, I. , Jaafar, K. and Zemzem, A. (2016). "Firm geographic location and voluntary disclosure". *Journal of Multinational Financial Management*, 37–38, 29-47.
- _____. El Ghoul, S. , Guedhami, O. , Pittman, J. A. and Rizeanu, S. (2016). "Cross-Country Evidence on the Importance of Auditor Choice to Corporate Debt Maturity". *Contemporary Accounting Research*, 33 (2), 718–751.
- _____. Fan, J. P. H. , and Wong, T. J. (2005). "Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia". *Journal of Accounting Research*, 43(1), 35-72.

- Fast, N. J. , Sivanathan, N. , Mayer, N. D. , and Galinsky, A. D. (2012). "Power and Overconfident Decision-Making". *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 117, 249–260.
- Feng, M. , Ge, W. , Luo, S. , and Shevlin, T. (2011). "Why do CFOs become involved in material accounting manipulations?". *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1-2), 21–36.
- Fracassi, C. , and Tate, G. (2012). "External networking and internal firm governance". *Journal of Finance*, 67 (1), 153-194.
- Friedman, H. L. (2016). "Implications of a Multi-Purpose Reporting System on CEO and CFO Incentives and Risk Preferences". *Journal of Management Accounting Research*, 28 (3), 101-132.
- Friedman, H. L. (2014). "Implications of power: When the CEO can pressure the CFO to bias reports". *Journal of Accounting and Economics*, 58 (1), 117–141.
- Galema, R. , Lensink, R. and Mersland, R. (2012). "Do Powerful CEOs Determine Microfinance Performance?". *Journal of Management Studies*, 49 (4), 718 – 742.
- Godfrey, J. M. , and Hamilton, J. (2005). "The Impact of R&D Intensity on Demand for Specialist Auditor Services". *Contemporary Accounting Research*, 22(1), 55-93
- Graham, J. R. , Harvey, C. R. , and Rajgopal, S. (2005). "The Economic Implications of Corporate Financial Reporting". *Journal of Accounting and Economics*, 40, 3–73.
- Grinstein, Y. , and Hribar, P. (2004). "CEO compensation and incentives: Evidence from M&A bonuses". *Journal of Financial Economics*, 73 (1), 119–143.
- Habib, A. and Hasan, M. M. (2017). "Business Strategy, Overvalued Equities, and Stock Price Crash Risk". *Research in International Business and Finance*, 39 (Part A), 389–405.
- Ho, J. L. , and Kang, F. (2013). "Auditor Choice and Audit Fees in Family Firms: Evidence from the S&P 1500". *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 32(4), 71-93.
- Hutton, A. P. , Marcus, A. J. , and Tehranian, H. (2009). "Opaque financial reports, R2, and crash risk". *Journal of Financial Economics*, 94 (1), 67–86.
- Jin, L. , and Myers, S. C. (2006). "R2 around the world: New theory and new tests". *Journal of Financial Economics*, 79 (2), 257–292.
- Khanna, V. , Kim, E. , and Lu, Y. (2015). "CEO connectedness and corporate fraud". *Journal of Finance*, 70 (3), 1203–1252.
- Kim, J. B. , Li, Y. , and Zhang, L. (2011a). "Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis". *Journal of Financial Economics*, 100 (3), 639–662.
- Kim, J. B. , Li, Y. , and Zhang, L. (2011b). "CFOs versus CEOs: Equity incentives and crashes". *Journal of Financial Economics*, 101 (3), 713–730.

-
- Kim, J. B. , Wang, Z. , and Zhang, L. (2016). “CEO overconfidence and stock price crash risk”. *Contemporary Accounting Research*, 33 (4), 1720–1749.
- Kothari, S. P. , Shu, S. , and Wysocki, P. D. (2009). “Do managers withhold bad news?”. *Journal of Accounting Research*, 47 (1), 241–276.
- Li, M. , Lu, Y. , and Phillips, G. (2018). “CEO and the product market power: When are powerful CEOs beneficial?”. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Available at http://faculty.tuck.dartmouth.edu/images/uploads/faculty/gordon-phillips/ceo_power.pdf.
- Liu, Z. , Ouyang, B. and Sun, X. (2015). “CEO Power and Auditor Choice”. *International Journal of Finance and Banking Studies*, 4 (4), 44-51.
- Morrison, E. W. , Rothman, N. B. , and Soll, J. B. (2011). “The Detrimental Effects of Power on Confidence, Advice Taking, and Accuracy”. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 116, 272–285.
- Morse, A. , Nanda, V. , and Seru, A. (2011). “Are incentive contracts rigged by powerful CEOs?”. *Journal of Finance*, 66 (5), 1779–1821.
- Valenti, M. A. , Luce, R. , and Mayfield, C. (2011). “The effects of firm performance on corporate governance”. *Management Research Review*, 34 (3), 266-283.

